

Euthanasia and Assisted Death

Morteza Abdoljabari¹, Marzieh Karamkhani^{2*}, Mahdi Fani¹, Fatemeh Dolatshahi³

1- Department of Islamic Education. Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2- Department of Medical Education. Medical Education School, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3- Engineering of Environmental Health, Health School, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Euthanasia phenomenon is one of the major and emerging events in medical sciences which today many issues have been raised about it. Its relation with *theological* and *legal* discussions and health issues caused the necessity for research in this area. This paper first explains the issue of euthanasia and assisted death then answers to this question: Are actions performed on dying person are euthanasia? Finally, it concludes that any form of euthanasia has serious drawbacks and it is forbidden in religious sources. Ending a human life by themselves or others is not acceptable from the perspective of Islam because of extreme dignity of manslaughter and importance of the self-preservation. While assisted death and euthanasia have substantive differences, there is not any intention of ending the life in assisted death. It provides proper conditions for a dying believer to better transition from this world to the Hereafter.

Keywords: Euthanasia, Assisted death, Dying, Murder

* **Corresponding Author:** Marzieh Karamkhani; **Email:** m.karamkhani2012@gmail.com

اتانازی و احتضار

مرتضی عبدالجباری^۱، مرضیه کرمخانی*^۲، مهدی فانی^۱، فاطمه دولتشاهی^۳

۱- گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- گروه آموزش پزشکی، دانشکده‌ی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

از رویدادهای مهم و نو ظهور در علم پزشکی، پدیده‌ی اتانازی است که امروزه مسائل بسیاری درباره‌ی آن مطرح شده است. رابطه‌ی این موضوع با بحث‌های فقهی- حقوقی و نیز ارتباط آن با مباحث پزشکی، اقتضای پیدایی پژوهش در این حوزه را فراهم آورده است. این مقاله در ابتدا به تبیین موضوع اتانازی و در کنار آن به تبیین موضوع احتضار پرداخته و به این سؤال پاسخ می‌دهد: آیا اقداماتی که برای شخص محتضر صورت می‌گیرد، اتانازی محسوب می‌شود؟ و در نهایت این‌گونه به نتیجه می‌رسد که هر گونه اتانازی اشکال جدی دارد و در منابع دینی انجام دادن آن ممنوع و حرام شمرده شده است. اگر خود فرد یا دیگران به عمر او پایان دهند، دلیل حرمت بسیار شدید قتل نفس و اهمیت حفظ جان، از نگاه دین اسلام مورد قبول نیست. درحالی که احتضار با اتانازی تفاوت ماهوی دارد و در آن، هیچ گونه نیت انسانی برای پایان دادن به عمر فرد وجود ندارد و فراهم نمودن شرایط برای فرد محتضر نیز صرفاً برای آمادگی وی برای انتقال بهتر از این دنیا به آخرت است تا محتضر مؤمن از دنیا برود.

واژگان کلیدی: اتانازی، احتضار، مرگ، قتل

مقدمه

دانش پزشکی، بیش از سایر دانش‌ها با علم فقه در ارتباط است؛ چه اینکه بخش مهمی از پرسش‌های نوپیدا، مانند اتانازی، تغییر جنسیت، تلقیح مصنوعی، شبیه‌سازی و... که فقه را به پاسخگویی فراخوانده، از دانش پزشکی به حریم آن راه یافته است. از رویدادهای مهم و نو ظهور در این زمینه، پدیده‌ی «اتانازی» است و در آن، احتمال مطابقت واجبات و مستحبات محتضر با اتانازی وجود دارد و همین، محور مقاله‌ی حاضر خواهد بود. مباحث درباره‌ی خاتمه دادن به حیات انسان، مباحثی درباره‌ی «ارزش» و زندگی انسان‌ها است. برخی اعتقاد دارند که حیات، حد اعلای خوبی است و دیگر خوبی‌ها با وجود حیات و زندگی معنا می‌یابد. بدون زندگی و حیات، هیچ خوبی یا ارزشی وجود ندارد. گرچه اتانازی، بحثی نو پیدا است، گستره و دامنه‌ی آن بسیار فراگیر می‌نماید. ارتباط این موضوع با بحث‌های فقهی- حقوقی و ارتباط آن با مباحث پزشکی، اخلاقی و حتی مسائل فلسفی نفس، اقتضای پیدایی

جستاری کامل را فراروی پژوهشگران قرار داده است. البته مقاله پیش رو سعی ندارد که تنها در باب اتانازی به بیان مفاهیمی بپردازد؛ و از آن‌جا که در فقه برای محتضر احکام بیان شده و به نظر بعضی از افراد ممکن است این احکام نزدیک به مسئله‌ی اتانازی باشد و یا حتی اتانازی محسوب گردد، درصدد آن است که به تبیین هر دو موضوع، یعنی اتانازی و احتضار بپردازد. همچنین به این سؤال پاسخ دهد که آیا اعمالی که برای شخص محتضر انجام می‌شود، به نوعی اتانازی محسوب می‌شود؟

برای پرداختن به این موضوع، در ابتدا به بیان مفهوم شناسی چند واژه‌ی اصلی پرداخته، پس از آن به تبیین دو موضوع اصلی این مقاله یعنی اتانازی و احتضار می‌پردازیم.

مفهوم شناسی اتانازی

اتانازی^۱ کلمه‌ی یونانی است که در آن پیشوند EU، به معنی خوب و درستبه کلمه‌ی THANASIA، به معنای مرگ، پیوند

^۱ - Euthanasia

داده شده و در دیکشنری انگلیسی آنرا چنین تعریف کرده‌اند: مرگ آسان و بی‌درد. در فرهنگ فارسی از اتانازی یا مرگ شیرین سخنی به میان نیامده است. هم اکنون واژه اتانازی در نوشته‌های فارسی به معنای بیمارگوشی طبی یا تسریع در مرگ محض در مواردی هم به معنای مرگ آرام و آسان است. به هر روی اتانازی به معنای مرگ شیرین، مرگ خوب، مرگ مطلوب، قتل ناشی از ترحم، مرگ سفید و ... است و مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱). اتانازی به مواردی اطلاق می‌گردد که بخواهند حیات فرد بیمار را به علت بیماری لاعلاج وی، خاتمه دهند (۲). به عبارت دیگر «اتانازی» اصطلاحی عمومی است که بر اساس زمینه‌ی مورد استفاده، معانی مختلفی را می‌توان از آن استنباط نمود؛ مانند قتل از روی ترحم یا پایان دادن به عمر بیمار لاعلاج به نیت نجات او. از نظر لغوی، این واژه بیانگر عملی است که در آن، مرگ بیمار به شیوه‌ی صورت می‌گیرد که در ظاهر، کم‌ترین میزان رنج و عذاب را برایش به همراه داشته باشد.

مفهوم شناسی مرگ

«موت» از منظر فقهی نیز به «زهوق روح یا خروج نفس از بدن» (۳ و ۴) تعبیر شده و با همین معنا، که گویا برداشتی از برخی آیه‌های قرآن کریم است (۵). «مرگ، توقف قطعی و غیرقابل برگشت اعمال قلبی-عروقی؛ تنفسی؛ و حسی- حرکتی است که از بین رفتن سلول‌های مغزی بر وجود آن صخه می‌گذارد» (۶). روح در پی اختلال شدید و فساد دستگاه‌های حیاتی بدن، به هر علت و سببی که رخ داده باشد، شایستگی تعلق خود را به پیکره‌ی مادیش از دست داده، مرگ فرا می‌رسد؛ چه اینکه بدن، ابزاری برای نفس است و با بروز فساد نعشی آن، دیگر موضعی برای تعلق روح باقی نخواهد ماند. این رویکرد را می‌توان از روایتی که در کتاب احتجاج آمده و در آن، روح، غیر از خون دانسته شده که به دنبال جمود و باز ایستادن خون، جدایی آن از بدن رخ می‌دهد، تأیید کرد (۷).

از سوی دیگر، زمان مرگ تشخیص لحظه‌ی جدایی روح از بدن و تعیین دقیق زمان مرگ، برخلاف آغاز حیات، کار چندان آسانی نیست؛ چه اینکه اکثر معیارهای فقهی که در این زمینه بیان گردیده، عرفی بوده و مربوط به علایم نعشی است، یعنی تغییرهایی که پس از مرگ، به تدریج در جسد هویدا می‌گردد و با مشاهده و حس، قابل درک هستند در مبحث حاضر راهگشا نخواهد بود. برخی از این علایم نعشی عبارت است از: گود شدن شقیقه‌ها، شل شدگی و خمیده

مفهوم شناسی قتل

واژه «قتل» در لغت به معنی ازالهی روح از بدن (۹) و از بین رفتن زندگی است. این واژه در اصطلاح فقه به عملی گفته می‌شود که ادامه‌ی زندگی و حیات را از انسان می‌گیرد و به مرگ شخص منجر شود (۱۰). این عمل به دست قاتل انجام می‌گیرد (۹).

مفهوم شناسی احتضار

احتضار، باب افتعال از حضور و در لغت به معنای حالت نزع و سوق، یعنی به حال مرگ افتادن و جان دادن است (۱۱). به شخص در حال مرگ و جان دادن، محتضر گفته می‌شود. احتضار در اصطلاح فقه، در همان معنای لغوی خود به کار رفته است (۱۲). چرایی این نام (احتضار) به سبب آن است؛ (۱۳، ۱۴) همچون: حضور ملائکه نزد مریض یا حضور ائمه (ع) خصوصاً (۱۵) امیرالمؤمنین (ع) یا حضور مؤمنان برای تشییع و ...

تبیین مسئله اتانازی

انواع اتانازی

برای اتانازی اقسامی بیان گردیده است:

(۱) اتانازی فعال:

این نوع اتانازی «عبارت است از انجام اقداماتی صریح که به منظور پایان دادن به عمر صورت می‌گیرد، مانند تزریق آمپول مهلک کلرید پتاسیم» (۱۶). این نوع اتانازی، خود به سه گونه-ی «داوطلبانه»، «غیر داوطلبانه» و «اجباری» تقسیم می‌شود. بنابر آیه‌های قرآن، این عمل، قتل نفس است و انسان حق ندارد خود را بکشد و یا تقاضای قتل خویش را از دیگران داشته باشد و دیگران (گروه پزشکی) نمی‌توانند به سبب

هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند (و در عین حال) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده‌ی مؤمن را آزاد کند و خون‌بهایی به کسان او بپردازد مگر اینکه آن‌ها خون‌بها را ببخشند و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول با ایمان بوده، تنها باید یک برده‌ی مؤمن را آزاد کند و پرداختن خون‌بها لازم نیست. و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آن‌ها پیمانی برقرار است، باید خون‌بهای او را به کسان او بپردازد و یک برده‌ی مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می‌گیرد. این، (یک نوع تخفیف) توبه‌ی الهی است و خداوند، دانا و حکیم است.^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است.^۳

۲) اتانازی غیرفعال:

این نوع از اتانازی در واقع عدم شروع درمان یا درمان‌هایی است که برای حیات بیمار لازم است. این اتانازی مانند نوع فعال آن، می‌تواند داوطلبانه یا غیرداوطلبانه باشد. در «اتانازی غیرفعال داوطلبانه»، بیمار درمان خود را رد می‌کند تا مرگش تسریع یابد. البته «اتانازی غیرفعال داوطلبانه» معمولاً در مورد بیمارانی به کار گرفته می‌شود که به سبب بیماری خود، وضعیت بسیار نابسامان و وخیمی دارند و پزشکان نیز امیدی به بهبودی ندارند (۱۷). از آن‌جا که حفظ جان بر هر انسانی واجب است و بنابر این آیه‌ی قرآن «و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد.»^۴، نباید انسان با کوتاهی خود را به هلاکت بیاندازد و چون گروه پزشکی وظیفه دارند برای حفظ جان بیمار تلاش کنند و

درخواست بیمار و به قصد پایان دادن به عمر او اقدام به کشتن بیمار نکنند و به طور یقین این عمل حرام است. «اتانازی فعال داوطلبانه» در این نوع اتانازی بنا بر خواسته‌ی بیمار، گروه پزشکی برای پایان دادن به عمر او اقدام می‌کنند. در این نوع اتانازی خواسته‌ی پزشک و بیمار، هر دو یکی است و بیمار نسبت به عمل مرگ‌آور پزشک، رضایت کامل دارد و جویای مرگ است، چرا که بیماری وی علاجی ندارد و مریض خود تقاضای پایان دادن به عمر خویش را دارد (۱۷).

«اتانازی فعال غیر داوطلبانه» این هم به شکل تزریق عمدی و عامدانه‌ی دارو به بیمار است. در این نوع اتانازی از طرف بیمار درخواستی وجود ندارد بلکه گروه پزشکی و یا خانواده‌ی او تصمیم به پایان دادن به عمر بیمار می‌گیرند و بالاخره با اقدامی، او می‌میرد (۱۷). وقتی خود فرد قادر به تصمیم‌گیری نباشد (برای مثال حالت کما به سر می‌برد)، خانواده یا خویشاوندان در مورد قطع درمان‌هایی که به بهبود وضع بیمار کمکی نمی‌کند و فقط به زنده ماندن فرد کمک می‌کند، تصمیم‌گیری می‌کنند. اگرچه از نظر تخصصی ممکن است چنین اقدامی اتانازی محسوب نشود، اما اغلب آن را به این نام می‌خوانند (۱۸).

«اتانازی فعال اجباری» نوع دیگر اتانازی فعال، «اتانازی فعال اجباری» است. این نوع از اتانازی تزریق عامدانه‌ی دارو یا اقدام‌های دیگری است که سبب مرگ بیمار می‌گردد. در این حالت، بیمار دارای صلاحیت تصمیم‌گیری است، اما هیچ‌گونه درخواست صریحی مبنی بر اتانازی ندارد؛ از این‌رو تمام اخلاقیان «اتانازی فعال اجباری» را غیر مجاز دانسته و آن را برابر «قتل» می‌دانند (۱۹). به خاطر همین ماجرا (که از حسد و تکبر و هواپرستی انسان خبر می‌دهد) بود که ما به بنی اسرائیل اعلام کردیم که هر کس یک انسان را بکشد بدون این که او کسی را کشته باشد و یا فسادی در زمین کرده باشد مثل این است که همه‌ی مردم را کشته، (چون انسانیت را مورد حمله قرار داده که در همه، یکی است) و هر کس یک انسان را از مرگ نجات دهد مثل این است که همه را از مرگ نجات داده و با اینکه رسولان ما برای بنی‌اسرائیل معجزاتی روشن آوردند؛ با این حال بسیاری از ایشان بعد از آن همه پیامبر (که برایشان پیامد) در زمین زیاده‌روی می‌کنند.^۱

^۲ و ما كانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ غَدَوُ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (سوره‌ی نسا، آیه‌ی ۹۲)

^۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (سوره‌ی نسا، آیه‌ی ۲۹)

^۴ وَ اتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تَلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (سوره بقره آیه ۱۹۵)

^۱ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَ نُهُمْ رَسُولُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعُدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمْسْرِفُونَ (سوره‌ی مانده، آیه‌ی ۳۲)

روایتی را ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که از معنای آیه‌ی ذکر شده سؤال کرد و امام فرمودند: مؤمن در حال احتضار جایگاه خود را در بهشت مشاهده می‌کند و می‌گوید مرا به دنیا بازگردانید تا به اهل دنیا از آنچه می‌بینم خبر دهم (۲۱).

در کتاب‌های روایی، حدیث‌هایی آمده است که بیانگر وظیفه‌ها، آداب و ویژگی‌های حالت احتضار است. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع)، آمده است که پیامبر اکرم (ص) رو به قبله کردن محتضر امر کرده‌اند و این کار را موجب توجه و اقبال ملائکه و خداوند به محتضر دانسته‌اند (۲۲)؛ از نظر فقیهان نیز رو به قبله کردن فرد محتضر واجب است؛ و مستحب است به محتضر آب داده شود و برای او قرآن خوانده شود؛ از رحمت خداوند و بخشش او گفته شود و از محتضر خواسته شود تا همراهی کند و شهادتین به زبان آورد.

در رساله عملیه آیت‌الله مکارم شیرازی چنین آمده است. «محتضر» یعنی کسی که در حال جان دادن است؛ و بنابر احتیاط واجب باید محتضر را به پشت بخوابانند و پای او را به طرف قبله کنند، خواه مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک و اگر خواباندن او به این صورت کاملاً ممکن نیست، بنابر احتیاط واجب، آن مقدار که ممکن است به این دستور عمل کنند و اگر ممکن نشد رو به قبله بنشانند و اگر آن هم ممکن نیست به پهلو راست، یا به پهلو چپ رو به قبله بخوابانند. رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمانی واجب است و اجازه گرفتن از ولیّش لازم نیست. مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام و سایر عقائد اسلام را به کسی که در حال احتضار است طوری تلقین کنند که بفهمد و مستحب است آن را تا وقت مرگ تکرار کنند؛ و مستحب است این دعا را به محتضر تلقین کنند به طوری که بفهمد.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّ كَانَتْ الْعَفْوُ الْعَفْوُ اللَّهُمَّ ارْحَمْ فَإِنَّكَ رَحِيمٌ

و همچنین بیان شده است که شایسته است برای راحت شدن محتضر بر بالین او سوره‌ی مبارکه‌ی «یس» و «صافات» و «احزاب» و «آیه‌الکرسی» و هر چه از قرآن ممکن است بخوانند (۲۳).

احتضار در کنار واژه‌هایی مانند سكرات و غمرات بیان می‌گردد. واژه‌ی «سكرات»، جمع سكره است؛ بی‌هوشی‌یی که به هنگام مرگ دست دهد (۲۴). چنین حالی در موارد مختلّف مانند خشم شدید، شراب خوردن، عشق آتشین،

نسبت به این موضوع قسم یاد کرده‌اند، ایشان ملزم هستند به حفظ جان مریض و مجوزی برای ترک وظیفه‌ی خویش نسبت به این که بیمار آسان بمیرد، ندارند و اگر کوتاهی به عمد تیم پزشکی و عدم درمان ایشان موجب مرگ شود، این مطمئناً حرام خواهد بود. همانا مؤمن به هر بلایی گرفتار می‌شود و به هر مرگی می‌میرد جز آن که خودکشی کند^۱.

۳) اتانازی مستقیم:

این نوع از اتانازی «به مواردی اطلاق می‌شود که اقدام خاصی برای پایان دادن سریع‌تر به زندگی بیمار صورت گیرد، مثل کمک به فردی برای افزایش دوز داروهای مسکن که ضمن کاهش درد می‌تواند مرگ تدریجی را نیز به دنبال داشته باشد» (۱۸). در بیانیه‌ی «انجمن پزشکان آمریکا»، کشتن از روی ترحم به صورت مستقیم، نه تنها کاری غیر قانونی، بلکه مغایر با هدف حرفه‌ی پزشکی شناخته شده است (۱۹).

۴) اتانازی غیر مستقیم:

این نوع از اتانازی «به مواردی اطلاق می‌شود که درمان‌ها و یا دستگاه‌های حیاتی مراقبت از بیمار در شرایطی که هیچ کمکی به بهبود وضعیت بیمار نمی‌کند، کنار گذاشته می‌شوند» (۱۸). درباره‌ی تفاوت بین اتانازی مستقیم با اتانازی فعال داوطلبانه باید گفت، آنچه که این دو را از هم جدا می‌کند، نیت پزشک است. در حالت اول، نیت پزشک کاهش درد بیمار است، اما در مورد بعدی، نیت پزشک خاتمه دادن به زندگی بیمار است (۱۷).

تبیین مسئله‌ی احتضار

ماده‌ی احتضار به معنای به معنای نزع و سوق، یعنی به حال مرگ افتادن و جان دادن است. این عبارت در آیه‌های قرآن نیامده است؛ البته آیه‌هایی درباره‌ی محتضر، به غیر ماده‌ی احتضار، وجود دارد^۲ همچون: «پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می‌رسد توانایی بازگرداندن آن را ندارید و شما در این حال نظاره می‌کنید و کاری از دستتان ساخته نیست» (۲۰).

^۱ امام باقر(ع): ان المؤمن یبتلی بكل بلیه و یموت بكل میته الا انه لا یقتل نفسه. (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۴، باب شده‌ی ابتلاء المومن، حدیث ۱۲)

- حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ، حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنِ الْحَسَنِ، حَدَّثَنَا جُنْدُبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، وَمَا نَسِينَا مِنْهُ حَدَّثَنَا، وَمَا نَحْسَى أَنْ يَكُونَ جُنْدُبٌ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَانَ فِيْمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ، بِهِ جُرْحٌ، فَجَزَعَهُ، فَأَخَذَ سِكِّينًا، فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ، فَمَا رَقَا الدَّمُ، حَتَّى مَاتَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: بَادِرْنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ، حَرَمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» (شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ناشر احیا التراث العربی، جلد

۱۹، ص ۳)

^۲ فلولا اذا بلغت الحلقوم و أنتم حينئذ تنظرون

گرو این اعمال خویش است و چون تمام واقعیت‌ها را هنگام مرگ مشاهده می‌کند، دست خود را از پشیمانی می‌گزد. امام در ادامه می‌فرماید: روح از بدن خارج می‌شود و چون مرداری در بین خانواده‌ی خویش بر زمین می‌ماند (۳۲).

در دین‌های دیگر مانند مسیحیت و یهودیت آیین‌هایی برای شخص محتضر وجود دارد.

در دین مسیحیت آیینی به نام آیین دست‌گذاری وجود دارد. با آیین دست‌گذاری، انسان حیات خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و در نتیجه، وقف خدمت به همه بشریت می‌کند.

یک درجه‌ی آن شماس است. در این درجه شماس کلام خدا را تبلیغ می‌کند و به مساعدت بینوایان، سالخوردگان، بیماران و افراد در حال احتضار می‌پردازد. و به معنای «خادم» است.

یک آیین دیگر تدهین نهایی است. مسیحیان معتقدند که خدا مسیح را برای عیادت بیماران، شفا دادن ایشان و آماده کردن آنان در لحظات جان‌دادن فرستاده است. بیماران مشرف به مرگ باید توسط کشیش تدهین شوند و لذا وقتی برای بیماری حالت احتضار پیش می‌آید سریعاً کشیشی را برای انجام عملیات تدهین نهایی آماده می‌کنند.

این آیین نشانگر وجود خدا و محبت او است و به یاد می‌آورد که خدا انسانهایی را که به وسیله بیماری مورد امتحان قرار گرفته‌اند، فراموش نمی‌کند. مسح کردن بیماران با روغن مقدس مسلم می‌سازد که آنان تنها نیستند بلکه مسیح با ایشان است و آنان را به سوی خدا رهنمون می‌شود. (۳۳)

در دین یهود هم یهودیان متدین شماع را مهمترین قسمت ادعیه یهودی می‌دانند. و قرائت دو بار در روز آن را یک واجب شرعی یا میصوا (به عبری: 7137) می‌دانند. همچنین مرسوم است که در زمان احتضار نیز به عنوان آخرین کلام، آن را بخوانند. (۳۴)

مشاهدات محتضر از زبان آیات و روایات

دیدن حقیقت کردار گذشته و جایگاه خود در آینده: با استناد به آیه‌های قرآن و روایت‌های معصومان (ع)، اولین دیدارها و شنیدارهای انسان هنگام مرگ، مشاهده‌ی تجسم کردار و رفتار اوست. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: تو از این حالت غافل بودی و ما پرده را از چشمان تو کنار زدیم و امروز چشم تو کاملاً تیزبین است^۱ (۳۵).

درد بسیار سخت، نگرانی و پریشانی شدید و ... برای انسان رخ می‌دهد. سکره‌ی مرگ، حالتی است شبیه به مستی که بر اثر فرا رسیدن مقدمات مرگ، به صورت هیجان و انقلاب فوق‌العاده به انسان دست می‌دهد و گاه بر عقل او چیره می‌گردد و او را در اضطراب و ناآرامی قرار می‌اندازد. به عبارت دیگر، سکر و مستی مرگ، حال نزع و جان‌کندن آدمی است که مانند مستان مشغول به خودش می‌شود؛ نه می‌فهمد چه می‌گوید و نه می‌فهمد اطرافیانش درباره‌اش چه می‌گویند (۲۵).

«غمرات»، تعبیر دیگر جان‌کندن و جمع «غمره» است که به معنای گرداب‌ها و سختی‌ها است (۲۴). انسان در حالت نزع چنان از خود بی‌خود می‌شود که گویی همه چیز را تاریک می‌بیند و قدرت درک هیچ چیز جز درد جانکاه خویش را ندارد. در قرآن و روایات، تعبیرهای تکان‌دهنده‌ی از آن لحظه آمده است، مانند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ؛ هنگام بی‌هوشی و سختی مرگ فرا رسید» (۲۶). در برخی منابع آمده است «سکره الموت» یعنی حالتی که شدت مرگ بر عقل غالب می‌شود و هوش از سر می‌رود (۲۷). علامه‌ی طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «سکرات مرگ، حالتی درونی است که در هنگام مرگ برای انسان به وجود می‌آید، بدین صورت که از مردم غافل می‌شود و به خود می‌پردازد، مانند انسان مستی که نمی‌داند به او چه می‌گویند و به دلیل همین بی‌توجهی و غفلت از اطرافیان به «سکرات الموت» تعبیر شده است.» (۲۸) و به همین سبب است که از لحظه‌ی جان‌دادن نیز به «غمرات الموت» تعبیر شده است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ؛ هنگامی که ببینی ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند» (۲۹). غمرات یعنی شدایدی که هنگام مرگ، انسان را احاطه می‌کند (۳۰). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: بدانید مرگ سختی‌هایی دارد که دشوارتر از آن است که به وصف آید و یا خردها و عقل‌های مردم جهان بتواند آن را درک کند^۱ (۳۱).

ترسیم لحظه‌ی جان‌دادن و وضعیت محتضر در بیان حضرت علی (ع) این‌گونه است: سختی‌های جان‌کندن و حسرت از دست دادن دنیا، به دنیاپرستان هجوم می‌آورد. بدن‌ها در سختی جان‌کندن سست می‌شوند و رنگ می‌بازند. مرگ آرام آرام همه‌ی اندامشان را فرا می‌گیرد و زبان را از سخن گفتن باز می‌دارد. فرد در بین خانواده‌اش می‌افتد. با چشم خود می‌بیند و با گوش خود می‌شنود و با عقل درست می‌اندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه و روزگارش را چگونه سپری کرده است و به یاد ثروت‌هایی که جمع کرده می‌افتد. او در

^۱ إِنَّ لِلْمَوْتِ لَغَمْرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصَفَةِ أَوْ تَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا

^۲ لَقَدْ كُنْتُ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

احتضار چیزی جدا از این روند و سیر طبیعی حیات و پس از آن خاتمه‌ی حیات و ورود به دنیای دیگر نیست. احتضار، اولین مرحله و منزل از منازل آخرت و آخرین مرحله و منزل از منازل دنیا است. احتضار، مرز بین حیات و مرگ است. احتضار یعنی حاضر شدن؛ زمانی است که در برابر انسان مرگ او و فرشتگان مرگ حاضر می‌شوند. فردی که در زمان احتضار قرار می‌گیرد، در عین حال که چشم او به دنیا است، به طور کامل و واقعی ملک الموت و چیزهایی از آخرت را می‌بیند. آیا رو به قبله شدن بیمار و یا رو به قبله کردن محتضر و تلقین به او، اتانازی (قتل) محسوب می‌شود؟

در پاسخ آن بیان می‌شود که حالت احتضار، زمانی است که انسان آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذراند و انگار با ملک‌الموت رو به رو می‌شود و در حال جان کندن است. بنابراین قبل از این حالت، امکان تقاضای مرگ نه جواز آن، از طرف فرد یا اشخاص مرتبط وجود دارد، اما در خود حالت احتضار درخواستی از طرف فرد محتضر نمی‌تواند وجود داشته باشد. البته برگشت به حالت عادی باذن الله می‌تواند وجود داشته باشد. پس آیا آماده شدن خود بیمار یا آماده‌سازی او به دست دیگران برای جان دادن، اتانازی محسوب می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، ویژگی‌های فرد محتضر با فردی که خواهان عمل اتانازی است، فرق دارد؛ درست است که در نگاه اول شباهت‌هایی بین آن دو دیده می‌شود، اما اصلی‌ترین تفاوت این دو، این است که فرد محتضر به گونه‌ی عالم معنا را در پیش خود می‌بیند. دومین فرض این است که در اتانازی، انسان (چه به دست خود بیمار، چه بستگان او و چه گروه پزشکی) در پایان دادن عمر فرد دخالت می‌کند (۴۵)، درحالی‌که در احتضار، این خداوند است که پایان عمر فرد را رقم می‌زند و نقش انسان، تنها آماده‌سازی فرد محتضر است و موجب مرگ بیمار نمی‌شود. بنابراین میان احتضار و اتانازی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. احکام محتضر برای ترک بهتر دنیا و به دیدار معبود شتافتن است.

آنچه درباره‌ی شخص محتضر اتفاق می‌افتد، این است که وی در حالت احتضار به جان کندن افتاده است و نقش حاضران و اطرافیان در قبال او، این است که شرایطی را فراهم نمایند تا وی با حالی سرشار از آرامش و با حالت ذکر (و نه غفلت) و با حالت بندگی جان دهد. از طرفی چون این شرایط، شرایطی سخت است و شیطان نهایت تلاش خود را برای کافر مردن انسان می‌کند، بنابراین برای گذار از این موقعیت، اعمالی مانند رو به قبله کردن، تلقین خواندن، آب دادن و ... به دست اطرافیان انجام می‌گیرد. البته این مطلب به

در آن لحظه، مشاهدات چنان دقیق است که در روایات، از وقت جان دادن به «عند المعاینه»، هنگام دیدارها، یاد شده است، زیرا انسان در آن لحظه باطن و حقیقت اعمال خود را به چشم ملکوتی می‌بیند (۳۶). دیدنی‌ها و شنیدنی‌های هنگام مرگ، برای انسان مؤمن حال خوشی می‌آورد و با رضایت، جان را تسلیم فرشتگان می‌کند، زیرا او به مقام قرب الهی می‌رسد و در انتظار چنین روزی بوده است. از این‌رو، لحظه‌ی جان سپردن برای او بسیار شیرین و فرح بخش است (۳۷). در مقابل، انسان‌های کافر و بدکردار با دیدن گذشته‌ی خراب و آینده‌ی تاریک خود چنان وحشت می‌کنند که لحظه‌ی جان دادنشان، از تلخ‌ترین لحظه‌ها و سهمگین‌ترین حالت‌ها برای آن‌ها است. در آن لحظه نخستین واقعیتی که برایشان آشکار می‌شود، بطلان دنیا و متعلقات آن است. آنان درمی‌یابند که تمام عادت‌ها و رسم‌های دنیایی‌شان بی‌ارزش بوده و هر آنچه واقعیت می‌انگاشتند، اوهم و سرابی بیش نبوده که همه تمام شده است (۳۸).

دیدن فرشتگان الهی: یکی از مشاهدات محتضر در نخستین مراحل انتقال از این دنیا به جهان آخرت، مشاهده‌ی فرشتگانی است که از طرف خداوند مأمور قبض روح هستند. ملک‌الموت و یارانش را قبل از مرگ نمی‌توان دید. محتضر غیر از آن‌ها، چهار ملک دیگر را مشاهده می‌کند که هر یک پایان یافتن رزق و روزی، لحظه‌های عمر و تمام بهره‌ها و سهم او از جهان مادی را اعلام می‌دارند (۳۹).

دیدار ائمه‌ی معصوم (ع) هنگام مرگ: از دیدارهای نویدبخش که هنگام مرگ برای مؤمن رخ می‌دهد، دیدار اولیای الهی است (۴۰). از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «هر مؤمن و غیرمؤمن هنگام مرگ، من و اهل بیتم را می‌بیند، ولی این دیدار برای مؤمن، بشارت است و برای غیرمؤمن عذاب» (۴۱ و ۴۲).

بحث

بعد از تعریف اتانازی و احتضار و آیه‌های قرآن و روایت‌های معصومان (ع) در این زمینه، معلم می‌شود که اسلام برای حیات، ارزش ذاتی قائل است و هر عمل انسان که به این ارزش آسیب وارد کند، به کل حیات به‌سان امری حقیقی، آسیب وارد کرده است. برخی از علمای اسلام معتقدند که حیات، حقیقتی کلی است و همه‌ی جانداران به امواجی از آن حقیقت هستند (۴۳). حیات انسان با ارزش‌ترین امر در زندگی است که روح الهی در جسم وی دمیده شده است و به دلیل همان روح و حیات مقدس، فرشتگان به او سجده کرده‌اند (۴۴).

- 13-Mousavi M. Documentsfi Ahkamlawsof Islam. 1th Edition. Mashhad: Institute ofal- Bayt (AS) Lahya' Altras. 1989. Volume 2. P:52. (Full Text In Persion)
- 14-Najafi MH. Jewelsspeechto explainthe laws of Islam. 7th Edition. Beirut: Houserevival ofArabheritage. 1981.Volum 4.P:6. (Full Text In Arabic)
- 15-Baqir al- Majlisi M. Bharalanwar University Dürer News Alimh Infallible. 2th Edition. Beirut: Institute Alvfa'. 1982. Volume 6.P:191. (Full Text In Arabic)
- 16-Abasi M. Murdercondescending. 1th Edition. Tehran: Legal Publications. 2003. P:12. (Full Text In Persion)
- 17-Parsa- pour Retal. Euthanasia, explainingtheethical analysis. Journal of Medical Ethicsand History of Medicine. 1987. Volume 1.P:3. (Full Text In Persion)
- 18-Eslamitabar SH ,Elahimanesh M. Ethicaland legalissuesin the murdercondescending. 1th Edition. Majd Publications. 2007.P:12. (Full Text In Persion)
- 19-Abasi M. Murder condescending. 1th Edition. Tehran: Legal Publications.2003.P:41. (Full Text In ersion)
- 20- Rezaei- esfahani MA. Interpretation of Quran. 1th Edition. Qom: Jafari Publications. (Chaptervagheh.Verse 83). P: 1073-4. (Full Text In Pertion)
- 21-Majlesi MB.beharalanvar .Volume 6.P:200. (Full Text In Persion).
- 22- Horr-amoli M. Shiameanstostudyissues of Sharia. Beirut: alAltrasreduction. Volume 2. P:662 (Full Text In Persion)
- 23- Catechism Ayatollah Makarem Shirazi .2014 .Available at:
<http://www.aviny.com/ahkam/resalehmakarem/index.aspx>
- 24-Sakarar And Ghamarat.2014. Available at:
<http://www.vajehyab.com/moein>
- 25-Habibian A.Picture ofheavenandhell. 1th Edition.Tehran: Amirkabir Publications.2004.P:31. (Full Text In Persion).
- 26-Rezaei-esfahani MA. Interpretation of Quran. 1th Edition. Qom: Jafari Publications. (ChapterGhamar Verse 19) . P:1058. (Full Text In Persion)
- 27-Ghorashi A. Quran Book. 1th Edition. Tehran: IslamicLibrary. Volume 2.P:303.(Full Text In Persion)
- 28-Tabatabai M. Scales. Qom: Scientific and Cultural Foundation Tabatabai. Volume 18. P:348. (Full Text In Persion)
- 29- Rezaei- esfahani MA. Interpretation of Quran. 1th Edition. Qom: Jafari Publications. (ChapterGhamar Verse 19). P:278. (Full Text In Persion)

این مفهوم نیست که هیچ اقدام پزشکی درباره‌ی چنین فردی صورت نگیرد و البته هیچ مخالفتی هم با آن ندارد؛ بلکه اگر جای امیدواری برای بازگشتن چنین فردی وجود داشته باشد، باید عمل احیا صورت گیرد.

نتیجه

هرگونه اتانازی، اشکال جدی دارد و حرام است و پایان دادن به عمر بیمار به دست خودش و یا دیگران، ممنوع است و یقیناً حرام. درحالی‌که فراهم کردن شرایط برای فرد محتضر صرفاً به منظور آمادگی او برای انتقال از این دنیا به آخرت است تا مؤمن از دنیا با آرامش و امیدواری به رحمت خداوند متعال به سلامت از این مرحله بگذرد.

References

- 1- Mazaher-tehrani M. The death of Criminal Justice. 1th Edition. Tehran: Hastinam Publications. 2007. p: 13. (Full Text In Persion)
- 2- Imani A Terms of criminal law. 1th Edition. Tehran: Arian Publications. 2003. P:97. (Full Text In Persion)
- 3- Imam Sajad. Alshyfh Alsadyh. 3th Edition. Qom: Imam Mahdi Publications. 1997. P:45. (Full Text In Persion)
- 4- Meshkini A. Alfqhyterminology. 1th Edition. Qom: alhadi Publications. 1998. Volume 2. P:520. (Full Text In Persion)
- 5- Rezaei-esfahani MA . Interpretation of Quran. 1th Edition. Qom: Jafari Publications. (Chaptervagheh. Verse 83). P: 1073. (Full Text In Persion)
- 6- Godarzi F, Kiani M. Forensics. 1th Edition. Tehran: Samt Publications. 2005. P:80. (Full Text In Persion)
- 7- Tabarsi A. Alehtejaj. 1th Edition. Qom: Sharif Alrzy Publications. 2001. Volume 2. P:85. (Full Text In Persion)
- 8- Asef-mohseni M. Alfqhyandcatechism Medical. 1th Edition. Qom: Bostane ketab Publications. 2003. Volume 2. P:168. (Full Text In Persion)
- 9- Ragheb- esfahani H. Vocabulary in Gheraib Quran. 1th Edition Beirut: Aldaralshamyh. 1991. P:655. (Full Text In Arabic)
- 10- Mostafavi H. Inspection of the wordal- Karim. Tehran: Translation and Publication Board. 1981. Volume 9. P:193. (Full Text In Persion)
- 11- Alfymy A. Almesbah Almonir. 1th Edition. Beirut: Daralqim. Hazararticle. (Full Text In Persion)
- 12- Ansari M . Encyclopedia of jurisprudencesoft. Qom: AlAlfkr Assembly. 3th Edition. 2003. Volume 1. P: 278. (Full Text In Persion)

- 30-Ghorashi A. Quran Book. 1th Edition. Tehran: IslamicLibrary. Volume 2. P:102. (Full Text In Persion)
- 31-Imam Ali. Nahjolblagh. Translated by Mohammad Dashti. Sermon 221. p: 452. (Full Text In Persion)
- 32-ImamAli.Nahjolblagh. Translated by Mohammad Dashti. Sermon109.p:452 . (Full Text In Persion)
- 33-Tofighi H. Meet thegreat religions. 1th Edition. Tehran: Samt Publications. Montazer. (Full Text In Persion)
- 34- Wikipedia Foundation. Shema israel. .Emerg Infec Dis [Internet]. 2014. Available at: <http://fa.wikipedia.org/wiki>
- 35-Rezaei- esfahani MA. Interpretation of Quran. 1th Edition. Qom: Jafari Publications. (ChapterGhamar Verse 22) . P:1058.(Full Text In Persion).
- 36-Khomeini R. Forty Hadith. Tehran: Rajaculturecenter. P:453. (Full Text In Persion).
- 37-Javadi Amoli. Interpretation Quran (Tasnim). 5th Edition. Qom: Asra Publications. 2010..Volume 5. P:571. (Full Text In Persion).
- 38- Tabatabai M.Scales. Qom: Scientific and Cultural Foundation Tabatabai. Volume 7. P:286. (Full Text In Persion).
- 39- Tabari. Bishara Mustafa Shiites Murtada. Najaf: Haidarieh Library. 2004. P:6. (Full Text In Arabic)
- 40- Majlesi MB.beharalanvar. Volume 6.P:188. (Full Text In Persion).
- 41-Kulayni M.Kafei Minutiae. Volume 3.P:127. (Full Text In Persion).
- 42-Tabatabai M.Scales. Qom: Scientific and CulturalFoundationTabatabai. Volume 20.P:278. (Full Text In Persion)
- 43-Jafari- Tabrizi M. Scramblingideas. Tehran: OfficeIslamicculture. 1996. (Full Text In Persion)
- 44-Imam Ali. Nahjolblagh. Translated by Mohammad Dashti. (Chapter Hejr Vers29). p: 526. (Full Text In Persion)
- 45-Abdoljabari M .A study of medical errors. journal of paramedical Science ,2001.vol 2(4) .p:30-35

